

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اکبر نوروزی
۰۵ دسمبر ۲۰۲۴

جلوه ای دیگر از مواضع پرو-امپریالیستی "حزب کمونیست کارگری"

در پی راکت پرانی رژیم وابسته جمهوری اسلامی به اسرائیل که در پاسخ به حمله دولت صهیونیستی اسرائیل به دفاتر دیپلماتیک جمهوری اسلامی در سوریه انجام گرفت، موجی از تبلیغات در مورد احتمال وقوع خطر جنگ تمام عیار بین دو دولت ارتجاعی در منطقه فزونی گرفت.

احتمال جنگی خونین بطور طبیعی باعث گسترش ترس و نا امنی در میان میلیون ها تن از مردم کشورمان و همچنین هراس و نگرانی مردم منطقه گشت. به این ترتیب رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، خوش خدمتی اش را به اربابان امپریالیست خود جهت رونق دادن به کسب و کار انحصارات اسلحه سازی و جنگی با ژست مبارزه ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی و تشدید نا آرامی ها در منطقه بار دیگر ثابت کرد. با این توضیح کوتاه، در ارتباط با راکت پرانی جمهوری اسلامی و احتمال حمله دولت صهیونیستی اسرائیل به ایران، جریانات و نیروهای سیاسی به اتخاذ مواضعی پرداختند که از میان آنان می توان به مواضع حمید تقوایی از حزب کمونیست کارگری ایران اشاره کرد.

یکی از مهم ترین پارامترهای ارزیابی ماهیت طبقاتی نیروهای سیاسی در جامعه، بررسی مواضع آنها، در هنگام وقوع رویدادها و تحولات بزرگ اجتماعی می باشد. بنابراین با شناخت مواضع آنان و درک اینکه این مواضع در خدمت کدام طبقه و کدام سیاست قرار دارد است که می توان به ماهیت طبقاتی آن نیرو، فارغ از هر ادعائی پی برد.

حمید تقوایی، از رهبران حزب کمونیست کارگری در گفتگویی با سوسن صابری، با عنوان "مبارزه علیه جنگ به چه معنا است" در قسمتی از سخنان خود چنین می گوید: "در هر حال همانطور که در سند هم گفته شده موضع و عملکرد ما بستگی به نوع و شدت حمله اسرائیل دارد. ما حمله به مراکز و یا مقامات نظامی و امنیتی حکومت را محکوم نخواهیم کرد". در نگاه اول برآستی که خنده دار است؛ کسی که در حرف مدعی باور به کمونیسم باشد حداقل انتظاری که از او می رود این است که ابتداء ماهیت چنین جنگی را روشن کند یعنی بگوید که این جنگ در چه شرایط تاریخی انجام شده و درگیری بین چه طبقه ای علیه چه طبقه ای است و آیا چنین جنگی به رشد و ترقی جوامع درگیر برای کسب آزادی و رهائی کمک می کند یا فقط باعث خرابی و کشتار ستمدیدگان می گردد. ولی با توجه به اینکه پیشوای فکری "لیدر" "حزب کمونیست کارگری" حمید تقوایی، یعنی منصور حکمت، دولت کودک کش اسرائیل را دموکراتیک ترین دولت خاورمیانه معرفی کرده، قاعدتا ایشان هم نباید حمله نظامی یک دولت باصطلاح دموکراتیک به ایران استبدادی را محکوم نماید! از سوی دیگر مگر یک جنگ واقعی و نه زرگری فقط به "حمله به مراکز و یا مقامات

نظامی و امنیتی" خلاصه می شود که جنگ فرضی بین دولتهای ارتجاعی جمهوری اسلامی و اسرائیل چنین شود، تا جایی که یک جریان سیاسی بگوید اگر فقط فلان جا را بزنی من محکوم نمی کنم! (یعنی تأییدش هم می کنم!) یا در واقع این نوعی دفاع از اسرائیل در تقابل ادعائیش با جمهوری اسلامی می باشد.

به هر حال چون خواست یک تحلیل علمی از چنین حزبی درخواست نابجائی است باید تأکید کنم که همسوئی حمید تقوایی و دوستانش در حزب کمونیست کارگری با سیاست های تجاوزکارانه دولت های امپریالیستی و صهیونیستی امر تازه ای نمی باشد و این همسوئی از قبل در "حزب" آنان نهادینه شده است برای نمونه همه بیاد دارند که چگونه این "حزب" بورژوائی حمله و اشغال فاجعه بار و تبهکارانه افغانستان توسط امپریالیسم امریکا را هم تأیید کرد. و یا نمونه دیگر، در نشریه ۷۴۳ ایسکرا متعلق به همین حزب چنین می خوانیم: "من حمله امریکا و کشورهای غربی علیه داعش را محکوم نمی کنم. من در جنگ با داعش طرفدار صلح نیستم، برعکس من مدافع جنگ تا شکست قطعی داعش هستم". (محمد آسنگران) در این مورد هم همانطور که مشاهده می شود هر بحثی در باره ماهیت نیرو های درگیر و ماهیت چنین جنگی کنار گذاشته شده و موضوع اشغالگری و واقعیت جنگ افروزی استثمارگران و امپریالیستها با ماهیت ارتجاعی داعش ماست مالی می شود.

الان سالهاست که حزب کمونیست کارگری حمید تقوایی، با علم کردن اسلام سیاسی و تزهائی نظیر اینکه ابتدا سر مار اسلام سیاسی را باید از بین برد به توجیه و پشتیبانی از سیاست های صهیونیستی و امپریالیستی در سطح منطقه پرداخته و با بهره گیری از شبکه های بورژوائی، با نام کمونیسم کارگری، دشمنان و جنایتکاران اصلی (یعنی همان خالقان و حامیان اسلام سیاسی) را که هر روز مرتکب وحشیانه ترین جنایات بشری و جنگ افروزی میگردند را کنار گذاشته و همه چیز را با "اسلام سیاسی" توجیه می کند؛ بدون اینکه به روی خود بیاورد که این بنیادگرایی اسلامی خود زاده امپریالیسم بوده و وسیله ای در دست وی برای توسعه سلطه خانه خرابکنش بر زندگی و حیات کارگران و خلقهای تحت ستم می باشد.

روشن است که برای دفاع از این مواضع رسوا چنین نیروئی باید به نیروهای انقلابی و مدافع واقعی منافع کارگران و زحمتکشان انگ های مختلف زده تا بتواند بدون ارائه نقد نظری، صرفاً با مهر "چپ سنتی" و یا "غیر سیاسی" از پیش آماده شده کوشید تا دیدگاه انحرافی و ضد کمونیستی خود را توجیه نمود.

به همین دلیل هم هست که نیروها و فعالین این جریان در مواجهه با نظرات و دیدگاه های نیروهای دیگر و ناتوانی پاسخ گوئی به آنان با اکتفا به گفتن "چپ سنتی" و "چپ غیر سیاسی" می کوشند خود را قهرمان گفتگو و میدان نشان میدهند.

واقعیت این است که سالهاست که حمید تقوایی و دیگر نیروهای پرو امپریالیست از قبیل تفکرات منتسب به کمونیسم کارگری در همسوئی با تبلیغات جنگ طلبانه و ارتجاعی امپریالیستی با توجیه اسلام سیاسی و یا توجیهاتی دیگر، عملاً دشمن اصلی مردم را نه سرمایه داران و امپریالیستها بلکه صرفاً اسلام و مذهب می نامند. بدون شک، هر نیروی انقلابی و آگاه به مارکسیسم -لنینیسم، اسلام را یک ایدئولوژی، می داند که در شرایط متفاوت، توسط یک طبقه مشخص در خدمت توجیه و منافع اقتصادی و سیاسی آن طبقه قرار می گیرد. حمید تقوایی بدون هیچگونه تحلیل مبتنی بر واقعیت از ماهیت و عملکرد نیروهای وابسته و ارتجاعی اسلام گرا که سرکوب و استثمار و قتل عام مردم را به دستور اربابانشان در دستور کار خود قرار داده اند با بسنده کردن به "اسلام سیاسی" و عوامفریبی در این زمینه عملاً در جهت استثمارکردن چهره تبهکارانه سرمایه داری و انحصارات جنگی امپریالیستی و گروههای مالی دولت های وابسته که در پشت نقاب "اسلام سیاسی" خود را پنهان کرده حرکت کرده است.

از سوی دیگر بارها و در جریان تند پیچهای مختلف نشان داده شده که این جریان با دل بستن به سیاست های سرمایه داران و صهیونیستها، برای سرنگونی جمهوری اسلامی مانند سلطنت طلبان و برخی دیگر از نیروهای وابسته و ضد مردمی، چشم امید به کمک آنان بسته و در تدارک جهمی دیگر برای کارگران و زحمتکشان ایران می باشد که نمونه اش را در جنگ ۸ ساله با عراق شاهد بودیم. این جریان با این استدلال که حمله دولت صهیونیستی اسرائیل به مراکز نظامی و امنیتی، رژیم جمهوری اسلامی باعث تضعیف این رژیم می گردد و این امر باعث قدرت گرفتن بیشتر مردم می شود، عدم درک خود را از واقعیت های عینی جامعه نشان می دهد. و حتی حاضر نیست که یک لحظه فکر کند که مگر ۸ سال جنگ با عراق در جریان خود باعث تضعیف این رژیم و تقویت جنبش مردمی شد؟ یا برعکس به جمهوری اسلامی کمک کرد که پایه های سلطه خود را با قتل عام جوانان در جبهه های جنگ، با سرکوب و نسل کشی مخالفان به بهانه جنگ مستحکم تر سازند؟ با این توصیف آیا لازم است به چنین جریان عوامفریبی یادآوری کرد که اولاً نتایج جنگ به تحلیل مشخص از طبقات درگیر در آن مربوط شده و ثانیاً کارگران و زحمتکشان خواهان جنگ های ارتجاعی نمی باشند و آنرا محکوم می کنند. و این تنها نیروهای ضد انقلابی همچون طالبان سلطنت هستند که برای رسیدن به اهداف ضد انقلابی خویش بر طبل جنگ دو دولت ارتجاعی و سرسپرده در منطقه می کوبند و انتظار دارند که اسرائیلی ها "سر مار" را برایشان از بین ببرند. آیا آنها نمی فهمند که هم سوئی با چنین نیرو هائی اوج سقوط یک جریان را نشان می دهد. بی هیچ تردیدی نیروهای انقلابی برخلاف این "حزب" متکی به توده ها و قدرت مردم خودشان می باشند. آنها در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت توده ها ایمان دارند و برای سازماندهی آنها حرکت می کنند، یعنی همان مردم و جوانانی که قیام های دیماه ۹۶، آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱ را شکل دادند و رژیم جمهوری اسلامی را تا لبه پرتگاه کشاندند.

واقعیت این است که حمید تقوایی پس از گذشت ۴۵ سال از عمر ننگین جمهوری اسلامی و حمایت های امپریالیست های جهانی از این رژیم -که بر هیچکس پوشیده نیست- هنوز هم رژیم جمهوری اسلامی را، یک رژیم مستقل ارزیابی می کند و بدون درک وابستگی این رژیم به امپریالیستها و بدون درک این واقعیت که دولت اسرائیل سرسپرده امریکا ست در پاسخ به رسانه حزبی و محسن ابراهیمی می گوید: " هر ضربه ای به جمهوری اسلامی، مبارزه مردم برای به زیر کشیدن حکومت را تسهیل خواهد کرد". حال که حملات اسرائیل به جمهوری اسلامی انجام شده باید از ایشان و حزیش پرسید این بمباران ها چقدر جمهوری اسلامی را تضعیف نمود؟ واقعیتی که نشان می دهد حمید تقوایی با نام حزب کمونیست کارگری، عدم شناخت خود را از کمونیسم و آرمانها و منافع طبقه کارگر در مواضع و گفتگوهایش بخوبی آشکار می سازد.

کمونیست ها و نیروهای انقلابی تنها با اتکاء به قدرت و مبارز واقعی توده های کارگرو زحمتکش، زنان، جوانان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و دیگر اقشار گرسنه و تهیدست جامعه است که قادر به تضعیف و براندازی رژیم های دیکتاتوری، ارتجاعی و وابسته هستند وگرنه همه می دانند که ضربه زدن های دولت صهیونیستی اسرائیل و گروههای وابسته سلطنت طلبان و یا تهدید ها و هشدارهای فریبکارانه دولت های امپریالیستی غرب و غیره، علیه این رژیم تا این لحظه صرفاً در جهت حفظ منافع غارتگرانه خودشان بوده است.

حمید تقوایی، درمانده از درک اهداف بغایت جنگ طلبانه و ارتجاعی قدرت های امپریالیستی و فاشیستی ترین محافل جنگ طلب که از هر بهانه ای برای تشدید و گسترش جنگ افروزی و ناامنی برای رونق دادن به انحصارات اسلحه سازی، سود می برند. در همسوئی با سیاست های صهیونیست ها و امپریالیست های حاکم، در قتل عام و غارتگری

میلیون ها انسان بی گناه خود را به نادانی زده و با ادعای هر ضربه به جمهوری اسلامی باعث تسهیل و براندازی آن میگردد، سر تعظیم در مقابل جنایتکاران و آدمکشان حرفه ای فرود آورده و خود را به ارابه جنگی آنان بسته است. امروز هر انسان حقیقت جو و آزادیخواه بر اساس حقایق تاریخی افشاء شده بخوبی میداند که دارودسته های تروریستی مانند داعش، طالبان، القاعده، حزب الله در لبنان، بوکوحرام و غیره، دست ساخته و در خدمت سیاست ها و منافع امریکا و غرب می باشند، و در واقع این دارو دسته های ضد انقلابی، ابزاری برای سرکوب انقلابات و نیروهای انقلابی و گسترش میلیتاریسم در سراسر جهان می باشند.

حزب کمونیست کارگری حمید تقوایی، در واقع خواهان تشدید جنگ و ناامنی در منطقه می باشد و درگیرهای دولت صهیونیستی اسرائیل با جمهوری اسلامی را غیر واقع بینانه در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی جلوه می دهد. کارگران و زحمتکشان ما بخوبی میدانند که قدرت های جنایتکار امپریالیستی و صهیونیستی به غیر از جنگ، ویرانی، آوارگی و استثمار و صدها مصائب و مشکلات، چیز دیگری ببار نخواهند آورد، همانطور که نمونه های چنین فجایی را در کشورهای افغانستان، عراق، لیبی و دیگر کشورهای جهان در شکل آوارگی، گرسنگی، بی خانمانی و مردم شاهد هستیم. حمید تقوایی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را از کانال یک نژاد پرست و فاشیستی به نام نتانیا هو که در تنیدگی اش با امپریالیسم امریکا هیچ شکی وجود ندارد، تبلیغ می کند و با اتکاء به افعی ها میخواد "سر مار" را از بین ببرد! اما این رژیم صهیونیستی و فاشیست "ناجی" توده ها نیست. برعکس، در همین یک سال اخیر با جنایات هولناک ضد بشری علیه مردم فلسطین، بیش از ۴۵ هزار انسان بی گناه از کودکان، زنان و غیر نظامیان راقتل عام کرده و باعث آوارگی، بی خانمانی، آسیب دیدگی های جسمی و روانی صدها هزار انسان گردیده است، بطوریکه مردم جهان در اعتراضات و تظاهرات میلیونی در سراسر جهان نفرت و انزجار خود را از این جنایتکار پست فطرت و نفرت انگیز و دولت صهیونیستی به نمایش گذاشتند.

کارگران، زحمتکشان و مردم ما نیازی به کمک چنین دولت های ضدمردمی و نژاد پرستی ندارند، آنچه نیاز آنان می باشد یک انقلاب واقعی توده ای است که در تقابل آشکار با دیدگاه و مواضع جنگ افروزانه و انحرافی حمید تقوایی و دوستانش می باشد. از منظر کمونیست های واقعی، نه تنها باید علیه سیاست های نژاد پرستانه دولت صهیونیستی اسرائیل مبارزه و آنها را افشاء کرد بلکه همچنین هم زمان باید با بنیادگرایی اسلامی که دست در دست جنایتکاران امپریالیست به قتل عام مردم ستمدیده پرداخته و می پردازند، مبارزه و آنها را افشاء کرد.

در خاتمه باید تاکید کرد، مردم خواهان جنگ و خونریزی و درگیری نظامی نیستند چرا که آنان مخالف هر گونه جنگ ارتجاعی بخصوص جنگ دزدان و تبهکاران حاکم بر رژیم های سرسپرده ایران و اسرائیل می باشند و آن را محکوم می کنند چون کمترین منافی در چنین جنگی برای مردم ستمدیده وجود نخواهد داشت. تنها کارگران، زحمتکشان و توده های ستمدیده و دربند هستند که می توانند با یک انقلاب دمکراتیک به رهبری طبقه کارگر، جامعه را از خطر یک جنگ ارتجاعی برهانند و کار، نان، مسکن، آزادی و استقلال را به ارمغان بیاورند.

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

نابود باد امپریالیسم و صهیونیسم!

زنده باد انقلاب!